

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

نگاه نور

چراغ لاله بیفروخت و گل شگوفان شد
صفای باغ نشان بهشت رضوان شد
ستاره سرزد و مهتاب پرتو افشان شد
نگاه نور ز شوق بهار لرزان شد
من از فراق چو ابر بهار گریانم
ز انتظار دو چشم بشد چهار بیا
ز روی مهـر درین مقدم بهار بیا
کنون که دشت و دمن گشته لاله زار بیا
ز حال من که نپرسیده ای پریشانم
شب است و درد فراق فتاده در جانم
تحمّل شب هجران چه گونه بتوانم؟
به ماهـتاب نتوان گفت راز پنهانم
ستاره نیز نداند که چیست درمانم؟
چو شمع گـریم و پروانه وار سوزانم
تو نور شمع فروزان چرا نمی آئی؟
چو نکهت گل و ریحان چرا نمی آئی؟
سریر پرده نشینان چرا نمی آئی؟
خدای مذهب رندان چرا نمی آئی؟
بیا که نزد اجـل چند روزه مهمانم
عروس ماه خرامان چو گوی سیمین است
نمود و مظهر شب آسمان زرین است
گرفته دامن شب را فضای مشکین است
نگاه من همه در سوی ماه و پروین است
به هرچه جز تو نظر کرده ام پشیمانم

نهفت کشتی مه در غروب ناپیدا برفت خـوشه پروین ز کشتزار سما
سپیده سرزد و جنگل ز دور شد پیدا نرفت دیده تیمور به خواب خوش اما
بیاد ساغر و معشوق و می غزل خوانم

(المان - ششم سپتمبر 2011)